نقش والدین بزرگ در خانواده های امروزی

محدث، علی

قطع شود آنان سعی می‏کنند سرزنش کرده یا دلداری بدهند و یا موقتا می- توانند دلگرم‏شام سازند.خلاصه وجودشان در خانه می‏رساند که والدین‏ تنها بزرگسلان قابل ارزش نمی‏باشند،زیرا همین بزرگسالان زمانی کودکان‏ مطیع و فرمانبرداری بیش نبوده‏اند که در بعضی مواقع بدون شک حماقت‏هائی‏ نیز می‏کرده‏اند.برای مثال:محبت و شرکت در کار دلپذیر پسر کوچک‏ بخشد که خطا خواهد بود بخواهند آنرا کوچک شمرده یا به آن حسادت‏ ورزند.باید دانست اهمیت گذشته نبایستی مانعی در تحقق یافتن زمان حال‏ نیز نبایستی بحدی مسامحه کنند تا اینکه ببینند دلشان کاملا خراب شده و تصویرشان در ذهن بچه مغشوش گشته است.مداخلهء متناوب والدین بزرگ‏ می‏تواند رل تکمیلی را بازی کند در عوض حضور مداوم و مستمرشان عاملی برای‏ اغتشاش می‏باشد.بالاخره کم نیستند خانواده‏هائی که مطلقا بوسیلهء والدین‏ بزرگ مستبد و یا حماقت افراطی‏کنندهء اداره می‏گردند،که توانسته‏اند خود را جا داده و دلشان را ایفاء نمایند و پسر یا دخترشان نتوانسته‏اند خود را از قید آنان آزاد کنند.در این صورت پدر و مادر واقعی به صورت خواهر یا برادر بچه درآمده و فاقد هر نوع شخصیت و قدتی می‏باشند،آنان حتی‏ وظیفهء تربیتی و تکوینی خود را نمی‏توانند انجام دهند و اگر هم بتوانند خیلی‏ جزئی،حتی اتفاق می‏افتد که بچه مادر بزرگش را«مامان»صدا می‏کند و مادرش را به اسم کوچکش.با خانواده‏ای که بوسیلهء چهار پدر و مادربزرگ‏ مستبد اداره می‏شد،آشنا شدیم که تفاهمی باهم نداشتند،پدر و مادر ارزشی‏ برای بچه قائل نبودند و بچه سر در گم بود.شخصیتش بطور مبهم شکل می‏گرفت، او روش حق سکوت گرفتن را یاد گرفته بود و شش بزرگسال را به نفع خودش‏ به جان هم می‏انداخت.در چنین خانواده‏هائی که طرق متعدد و قدرتهای‏ مختلف وجود دارد،اغلب بچه را می‏بینیم که خود را موضوع گفتگوهای‏ مداوم و حتی مشاجرات شدید قرار می‏دهد و با رفتارهای توأم با خطا توجه‏ اطرافیانش را به خود جلب می‏نماید،و همچنین تسلط خاص خود را برای‏ بزرگسالان اعمال می‏کند.بدون شک والدین بزرگ از لحاظ استعدادهای‏ تربیتی چیزی کم ندارند و حتی گاهی استعدادشان بیش از پدر و مادر اصلی‏ می‏باشد.

اما جای تأسف است که اغلب اوقات،آنان بیش از حد حماقت افراطی‏ نموده و با مداخلات نابجا و لوس بار آوردن بچه شخصیت والدین را خرد می- کنند و کوشش می‏کنند تا حسن نظریه بچه‏ها را به زبا والدین جلب نمایند و نقش همانندسازی(شبیه والدین شدن)بچه را خراب کنند.

بنابراین زمانی که والدین بچه‏ای را به دنیا می‏آوردند باید مسئولیت تربیت‏ او را بعهده گیرند.در تربیت اصولی وجود دارد که والدین بزرگ‏ بایستی آنرا بپذیرند و پدر و مادر نیز به آن احترام بگذارند.تجربه نشان‏ می‏دهد که اصولا وظیفهء پدر و مادری را به والدین بزرگ سپردن اشتباه بزرگی‏ است.پدر و مادرانی که به این دلیل از تربیت بچه‏هایشان دست می‏کشند.، خواه برای برخوردار بودن از آزادی بیشتر،خواه برای افزایش درآمدشان‏ و یا برای هر دلیل دیگری که می‏خواهد باشد،این کار باعدم پذیرش بچه‏ توأم است.آنان بایستی خوب بدانند که با این عمل مشکلاتی برای‏ خودشان فراهم می‏سازند و رشد بچه را در راه قابل تردید و خطرناکی قرار می‏دهند.

پردو مادرها باید والدین بچه‏هایشان باشند و خوب به خاطر داشته باشند که این موضوع از لحاظب تربیتی خیلی مهم است.لکن در حالت فقدان والدین‏ یا طرد بچه والدین بزرگ از رل خود عدول کرده و بطور مفید وظیفهء جانشینی پدران و مادران را ایفاء کنند.بسیاری از این نوع والدین بزرگ‏ را می‏شناسیم که واقعا نوهء خود را نجات داده‏اند و در حقشان فداکاری لازم‏ را بعمل آورده‏اند.مع الوصف فکر نمی‏کنیم که آنها هرگز بتوانند کاملا جانشین پدر و مادر شوند.باوجوداین نگاه داشتن پدر و مادربزرگ مسن‏ یا منزوی در خانه می‏تواند وظیفهء بزرگ محسوب شود که نبایستی از آن شانه‏ خالی کرد.ولی مهم اینست که رل و مقام این شخص مورد توجه را در بطن‏ خانواده خوب مشخص نمود و در حفظ صمیمیت گروه اصلی«پدر و مادر»با بچه‏ها مراقبت کرد.ناگفته نماند که احترام گذاشتن برای مهمان از لحاظ اخلاقی و دینی مهم است.لکن لازمست که مهمان نیز متقابلا اعضای خانواده را محترم بشمارد و نقش پارازایتی را در هماهنگی خانواه بازی نکند تا بچه‏ها متضرر گردند،زیرا بعضا دیده می‏شود که بی‏جهت بر علیه یکی از والدین با دیگری متحد شده،سعی می‏نمایند تا زندگی را به اهل خانه غیر قابل تحمل‏ اگر پدر یا مادربزرگ بتواند مقام خود را حفظ کند یعنی سعی نکند که‏ جای پدر و مادر اصلی را بگیرد وجودش برای اعضاء خانه می‏تواند به منتهی‏ درجه مفید و سودمند باشند.

منابع

1-Berge(A),ẓLe metier de parentẒed montaigne,paris 1966.

2-Lacroix(J):Force et faiblesse de la famille ed.du seuil,paris,1961

3-P.osterrith:L'enfant et la famille, P,U.F Paris 1967.

4-M.Porot;L'enfant et les relations familiales P.U.F.paris 1961